



سرقت یکجای کتاب

در شماره ۹۵ آینه پژوهش از سرقت کتاب یکی از محققان حوزوی ایران به دست یکی از ناشران لبنانی سخن رفته و این اقدام زشت ناشر لبنانی به حق نکوهش شده است. علاوه بر ناشران لبنانی، گاهی در همین جا و بیخ گوش ما همین سرقت ها واقع می شود و مقامات مسئول هم مانع نمی شوند. ماجرای یک نمونه از این قرار است که امسال انتشارات اسماعیلیان، کتاب شریف منیة المرید - چاپ انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی را که محقق آن حداقل دو سال برای تصحیح آن زحمت کشیده و حدود پنجاه نسخه خطی آن را شناسایی و از حدود ده نسخه برای تصحیح آن استفاده کرده و در نتیجه در سال ۱۳۶۹ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شناخته شده و تاکنون پنج بار چاپ شده است - با حذف مقدمه و پاورقی عیناً حروفچینی کرده است. اگر مشکل به همین جا ختم می شد، چندان مانعی نداشت. مشکل اینجاست که تمام عنوان ها، تیتراها، و مطالب زیادی که محقق منیة المرید به آن افزوده و در داخل قلاب نهاده، در چاپ اسماعیلیان بدون قلاب آمده و همه

آنها به شهید نسبت داده شده است! و حتی گاهی نیم سطر که محقق کتاب به متن افزوده، بدون قلاب حروفچینی شده است. خلاصه اینکه کتاب منیة المرید چاپ دفتر، عیناً با همه اعراب ها، تقطیع ها، سایز حروف و سایر جهات عیناً حروفچینی و فقط قلاب ها حذف شده و این تباهی و خیانت رخ داده است!

بلی، پشت جلد کتاب، ناشر آن یعنی اسماعیلیان چند سطری در وصف شهید نوشته است که آن هم مشتمل بر چندین غلط است؛ از جمله اینکه شهید ثانی را که اهل جبل عامل لبنان است، طوسی (اهل طوس ایران) دانسته و شهادت او را به سال ۹۶۶ ذکر کرده است! و پاره ای اشتباهات دیگر!

باری، ایرادی هم به انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی وارد است و آن اینکه حدود یک سال است که منیة المرید نایاب است و در بازار نیست و مع ذلک آن را تجدید چاپ نکرده است و اسماعیلیان از این خلا سوء استفاده کرده و آن را به چاپ رسانده است.

حسن امیری

*

با عرض سلام و احترام خدمت جناب آقای جتئی

در شماره پیشین مجله پربار آینه پژوهش (شماره ۹۷) مقاله ای چاپ شد با عنوان «بررسی اوضاع ادبی فارس در سده هشتم و منابع این بررسی (به بهانه معرفی دیوان حیدر شیرازی)» از مسود این سطور. یکی از منابع جانبی که در تدوین آن مقاله بررسی کرده بودم جنگی خطی بود در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی (ره) به شماره ۵۷۱۲ به نام مونس العشاق و تحفة الآفاق (مثلاً در پاورقی شماره ۱۸ از آن یاد شده). این جنگ را در همان زمان به دقت صفحه به صفحه بررسی کردم، ولی موردی از چشم پنهان ماند که اتفاقاً به کار همان مقاله می آمد و آن غزلی است از شاعری متخلص به «حیدر» و چون جنگ مزبور مورخ ۸۶۰ هجری است، این حیدر به احتمال بسیار همان «حیدر بقال شیرازی» باشد. این غزل در برگ ۲۱۶ الف دستنویس آمده و چون عنوان ندارد، پس از خواندن کامل غزل متوجه شدم متخلص شاعر آن «حیدر» است.

درباره جنگ مونس العشاق باید عرض کنم که من و دوست عزیز و ارجمندم ارحام مرادی مشغول بررسی دقیق و شناسایی آن هستیم که امید است نتایج آن بررسی ها هم به شکل مقالاتی عرض شود (شاید به خواست خدا یکی از آنها در همین مجله وزین تقدیم گردد). اینک تمام آن غزل را به دقت از جنگ مونس العشاق نقل می کنم:

الا ای سرو سیمین بر که سنبل بر سمن داری

خطا در طره پرچین حبش گرد ختن داری

دل اندر جاه و رخ چون ماه و لب دلخواه و غم جانکاه

روان آگاه و دل همراه و در جان ها وطن داری

ز برگ گل به رنج آبی چرا بر گل سمن پوشی
ازین به جامه در بر کن که بس نازک بدن داری
می از لعل تو می نوشم که در مستی شکر بخشی
دل از زلف تو می جویم که در گیسو شکن داری
تویی لیلی که چون مجنون هزاران خسته دل کشتی
تویی شیرین که چون خسرو هزاران کوه کن داری
مگر بر زلف شبرنگش گذر کردی که مشکینی
الا ای باد نروزی که بوی یار من داری
قمر در شام و خور در دام و شب بر بام و لب می فام
شکر در کام و می در جام و گل در پیرهن داری
شکر می نوش و گل در جوش و من مدهوش و لب خاموش
روان در نوش و در گوش و گوهر در دهن داری
شکر شیرین، قمر رنگین، گهر پروین، نظر جان بین
شبه پرچین خطا در چین حبش گرد ختن داری
شب پیچان رخ جانان در و مرجان حیات جان
خط ریحان گل خندان بهار و نسترن داری
میانت کس نمی بیند کمر گردش چه می بندی
دهانت هست ناپیدا، کجا جای سخن داری
چو بر گلزار رخسارت غبار خط محقق شد
به ریحان نسخ کن عنبر که سنبل بر سمن داری
در اصفهان حسینی وار با عشاق در نروزی
دل حیدر به دست آور که خود وجه حسن داری

ارادتمند جواد بشری

۱۳۸۵/۵/۲۱

